



کارکرد نمایشنامه‌های خلاق در کلاسهای مقدماتی آموزش زبان دوم

گیولا ارنست اسلاوویا
کوی جی.ونگر
ترجمه: واله ولی پور
(عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی نتخابین)

دخترکی ملیس به شغل فرمزی از جنس کاغذ، می‌پرسد: «مادر بزرگه، می‌توانم داخل شویم؟» کودکی که نقش گرگ را ایفا می‌کند و کلام مادر بزرگ را بر سر دارد، با لبخندی مودبانه، پاسخ می‌دهد: «بله عزیزم، حتماً»

گروهی متشکل از پنج دانش‌آموز کلاس دوم، سوم، در گوشه کلاس زبان انگلیسی خود، گرد هم آمده‌اند، و با هیجان زیاد صحبت می‌کنند. آنها با لباسهای ساده‌ای که خود برای نمایش تهیه کرده‌اند، در مقابل ده نفر از همکلاسی‌ها، دو داوطلب بزرگ سال و معلم زبان انگلیسی‌شان، نمایش شغل فرمزی کوچک را اجرا می‌کنند.

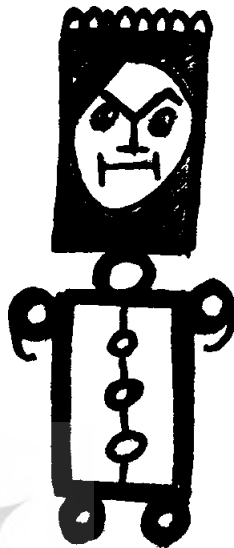
چی‌ها (Ji-ha) در نقش شغل فرمزی کوچک، به دوستش برونو (Bruno) در نقش گرگ، می‌گوید: «چه چشمان بزرگی داری!» در این ضمن، میشا (Misha) پسر همیشه آرام، با اشتیاق، مشغول قطع کردن درختن کاغذی، با خط کشی کلاس است. میشا، در نقش هیزمشکن، مادر بزرگ و شغل فرمزی را نجات خواهد داد. به این ترتیب، نقش اصلی داستان را او ایفا می‌کند. میشا اهل روسیه است و از مدت‌ها پیش در ایالات متحده پیش از دو ماه می‌گذرد. در بنو وروشن به کلاس انگلیسی سلسیاثورن (Celica Thorne) اصلاً با

زبان انگلیسی آشنا نبود و از آن جا که در کلاس همزبان روسی نداشته، سکوت می‌کرد. پس از گذشت ده هفته، وی هم چنان در کلاس دوم و کلاس‌های آموزش زبان ساکت بود، اما هنگامی که در پاسخ به این سوال خادم نون «چه کسی می‌خواهد هیزم شکن شود؟» پسر بچه‌ای هیجان‌زده و با چهره‌ای شرمگین، نام خود را فریاد زد: «میشا!» معلم و همکلاسی‌هایش را کاملاً متعجب کرد. نمایش ادامه دارد. در حالی که گفت و گوی نمایشی برونو، در نقش گرگ، با چی‌ها و شغل فرمزی کم‌کم رو به انجام است، وی به سوی شغل فرمزی که فریاد می‌کشد «کمک‌کن!» و در صحنه نمایش می‌دود، پیش می‌رود.

میشا پس از شنیدن کلمه «شاهاره»، از بریدن درخت دست می‌کشد. سپس در حالی که خط کش را در اطراف به حرکت در می‌آورد، با فریادهای مهیبه به تعقیب گرگ می‌پردازد. تماشاچیان با خوشحالی، از اسارت گرگ توسط میشای جسور که پوزخندی بر لب دارد، نفسی راحت می‌کشند. برای اجرای این نمایش، شاگردان خادم نون، به داستان شغل فرمزی گوش دادند. در مورد شخصیت‌ها و طرح و توطئه بحث کردند، متن‌های خود را تعیین، لباس‌ها و وسایل را تهیه و نقش‌ها و حرکات مختلف را تمرین کردند. آنها همه این کارها را به صورت گروهی انجام دادند. با کمک و همراهی هم، پیش‌نویس متن را

نوشتند و برای تصمیم‌گیری، مذاکره کردند. آنها در مورد جملات و لباس‌های نمایش نظرشان را گفتند، ژست گرفتند، به تصوراتشان مجال بروز دادند و در تمام این مراحل، لذت بردند و شادی کردند. با این اوصاف، کار آنها با کار بازیگری که طی قرن‌ها انجام می‌گیرد، تفاوت چندانی ندارد. این دانش‌آموزان، با استفاده از عشقی که به زبان و اجرای نمایش دارند، موجبات حرکت آموزش و سرگرمی همکلاسی‌های‌شان را فراهم آوردند.

در کلاس آموزش زبان انگلیسی، به عنوان زبان دوم، تأثیر مثبت به‌ویژه‌ای از فنون نمایش خلاق مانند ایفای نقش، پانتومیم (نمایش بدون کلام)، تالیپولا (نمایش بدون حرکت)، میان برده‌ها و عروسک گردانی در فراگیری مهارت‌های زبانی، به اثبات رسیده است. علاوه بر فریادها و بهیبه، نظیر درونی کردن الگوهای زبانی با تقویت مهارت‌های شنیداری، دانش‌آموزان، با توجه دقیق به گفته‌های راوی، بازیگر یا داستان‌سرا، کاربرد شکل‌های نمایشی برای کشف موضوعات مرتبط با تجربیات دانش‌آموزان، می‌تواند آنها را در درک خود و دنیای پیرامون‌شان به حد بالایی سوق دهد. این تجربه به سود تمام کودکان است، خصوصاً دانش‌آموزانی مانند میشا که علی‌رغم دانش محدودشان از زبان انگلیسی، در تجربه‌ای فرخ‌بخش و منادار شرکت می‌کنند و توانایی



در کلاس آموزش زبان انگلیسی،
به عنوان زبان دوم،
تأثیر مثبت بهره‌گیری
از فنون نمایش خلاق
مانند ایفای نقش، پانتومیم
(نمایش بدون کلام)،
تایپولا (نمایش بدون حرکت)،
میان پرده‌ها و عروسک گردانی
در فردگیری مهارت‌های زبانی،
به اثبات رسیده است

و معلمان از مسئولیت‌های مشابهی برخوردارند؛ مسئولیت‌هایی از قبیل تجربه کردن شخصیت‌ها و همکاری معنادار در یک اجرای گروهی.

کشف تفاوت‌ها

بسیاری معتقدند نمایشنامه، تمرین زندگی است (Heinig, ۱۹۹۳). ابداع و فعالیت فردی و گروهی، لازمه نمایشنامه و اجرای آن، به ابتکار و همکاری گروهی نیازمند است. نمایشی که به دقت طراحی و اجرا شود، موجب خود ارزیابی افراد گروه و نگرش معنادار از تجربیات گوناگون را فراهم می‌آورد. با شرکت در نمایش خلاق، کودکان می‌توانند خود را اشخاص یا اشیا بی‌صور نمایش، امکان احیای دوباره تجربیات دیگران را خواهند یافت؛ نظیر تجربیات شخصیت‌های تاریخی و اجتماعی کتاب‌های درسی، کتاب‌های داستان، افسانه‌ها و داستان‌های عامیانه‌ای که خوانده‌اند و نیز تجربیات زندگی روزمره خود و دنیای تصوراتشان. اجرای نقش‌های مختلف به آنها فرصت می‌دهد تا خود را به جای دیگران بگذارند و بی‌برند شخصی که به فرهنگ خاص تعلق دارد، چگونه ممکن است باشد؟ فعالیت‌های نمایشی، موجب می‌شود کودکان نقش‌های گوناگون را تجربه کنند و در این فرآیند، با دیگر مردم آشنا شوند و همدردی کنند.

از آن جا که نمایش، مستلزم تجربه موضوعات انسانی و در بافت‌های اجتماعی خاص است، کلاس آموزش زبان، یک دوره ایده‌آل برای فعالیت‌های آموزشی، مرتبط با داستان‌هایی است که به نوعی، به عیال شخصی و تجربیات گذشته کودک برمی‌گردد (Verriour, ۱۹۸۵). به عنوان مثال، هنگامی که دانش‌آموزان کلاس سوم، برای اجرای نمایش سفیدبرفی آماده می‌شوند، کودکی یادآور شد نامادری بدخیمی چند در داستان سیندرلا وجود دارد. با شنیدن این نکته، چند کودک، یک صدا گفتند نامادری‌ها «پیدات» و «ژست» هستند و باز کودکان بی‌زبانند. معلم، کودکان را به بافتن نمونه‌هایی از نامادری‌های خوب تشویق کرد و راه‌حلی‌هایی برای حل این مشکلات پیشنهاد داد. به این طریق، به آنان کمک کرد تا از این گونه، کلیشه‌ها فاصله بگیرند.

افزایش اعتماد به نفس

دانش‌آموزان، در تمام سطوح مهارت زبانی می‌توانند با موفقیت در فعالیت‌های نمایشی شرکت جویند. زبان آموزان مبتدی و حتی کسانی

استفاده از طنز برای ارتباط‌گیری

دانش‌آموزان مبتدی، برای افراد لوده و مضحک ارزش خاصی قائلند. روان‌شناسان شناخت‌گرا، معتقدند کودکان چهارتا شش سال از دلقت بازی، مهمل سرایی نمایش مضحک و پر سر و صدا و معنا یعنی کلیه فعالیت‌هایی که منجر به نوسه زبانی می‌شود. لذت می‌برند و به آنها پاسخ می‌دهند. کودکان بزرگتر نیز از نقش‌های مختلف به آنها فرصت می‌دهد تا خود را به جای دیگران بگذارند و بی‌برند شخصی که به فرهنگ خاص تعلق دارد، چگونه ممکن است باشد؟ فعالیت‌های نمایشی، موجب می‌شود کودکان نقش‌های گوناگون را تجربه کنند و در این فرآیند، با دیگر مردم آشنا شوند و همدردی کنند.

چگونگی اجرا

پیشنهادی که در پی می‌آید، برای ارائه یک داستان به صورت نمایشی، در روند یادگیری زبان و کلاسهای آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم، در سطوح مختلف قابل استفاده است. معلمان می‌توانند این پیشنهادات را با نیازهای زبانی، چارچوب برنامه و شکل کلاس درس تطبیق دهند. باید خاطر نشان کرد که کودکان در حین تمرین و اجرا، ممکن است نقش خود را به دیگر همکلاس‌ها بدهند و نقش آنها را خود برعهده بگیرند. بدین ترتیب فرصت تمرین زبان خود را افزایش می‌دهند. با صرف میانه‌گین ۵ دقیقه روز و در یک هفته، می‌توانند به خوبی تمرین و نمایش را اجرا کنند.

روز اول: معرفی داستان

معلم داستانی را نقل می‌کند. سپس از دانش‌آموزان می‌خواهد داستان را بازگو کنند، درباره نویسنده سخن بگویند و اگر ترجمه‌های گوناگون از اثر در دسترس باشد، نظرشان را اعلام کنند. معلم با طرح سوالی، دانش‌آموزان





برای اجرای این نمایش
شاگردان خانم تورن
به داستان شئل قرمزی گوش دادند.
در مورد شخصیت‌ها و طرح و توطئه
بحث کردند

متن‌های خود را تعیین، لباس‌ها
و وسایل را تهیه و نقش‌ها
و حرکات مختلف را تمرین کردند.
آنها همه این کارها را به صورت گروهی
انجام دادند. با کمک و همراهی هم
پیش نویس متن را نوشتند
و برای تصمیم گیری
مذاکره کردند.

آنها در مورد جملات و لباس‌های
نمایش نظرشان را گفتند، ژست گرفتند
به تصوراتشان مجال بروز دادند
و در تمام این مراحل، لذت بردند
و شادی کردند.

را در تصور احساسات شخصیت‌ها و ویژگی‌های محیط
باری می‌دهد. سوالانی نظیر: اگر به جای شخص مجروری
قسه باشید چه احساسی خواهید داشت؟ خود را جای او
بگذارید و ببینید چگونه در برابر دیگران از خود دفاع
می‌کنید؟ مکان قسه چگونه جایی است؟ و بعد معلم
یک یا دو ترجمه از داستان را می‌خواند.

روز دوم: نوشتن نمایشنامه

معلم و دانش‌آموزان در مورد داستان، شخصیت‌ها،
طرح و توطئه و تنظیم آن به صورت نمایش گفت و گو
می‌کنند. دانش‌آموزان تشویق می‌شوند داستان را بازگو
کنند و شخصیت‌های جدیدی به آن بیافزایند و یا
شخصیت‌های قدیمی را کنار بگذارند و از نو آن را طراحی
کنند. براساس میزان تسلطشان به زبان، می‌توانند
خلاصه‌ای از داستان را به معلم بگویند یا در برکه خود
نویسند سپس دانش‌آموزان و معلم متن را برای یکدیگر
می‌خوانند.

روز سوم: آماده کردن صحنه

پس از نوشتن متن نمایش، دانش‌آموزان آن را
می‌خوانند و بازیابی می‌کنند. آنها با همکاری معلم
تصمیم می‌گیرند چه کاری و چگونه باید انجام گیرد.
روی وسایل، صحنه و لباس‌های نمایش شروع می‌شود.

روز چهارم: آماده شدن

دانش‌آموزان، وسایل و لباس‌های نمایش را تکمیل
می‌کنند و در صورت استفاده از متن، آن را با معلم
می‌خوانند. معلم، نحوه حرکت شخصیت‌های گوناگون

بر صحنه، مکان و زمان ورودشان، نحوه رفتار شونده،
خانمه بازی بازیگران و کار مجری را نشان می‌دهد.

روز پنجم: نمایش آغاز می‌شود

معلم، برای شرکت در نمایش، قاضای داوطلب
می‌کند پس از چهار روز تمرین، کودکان تمام نقش‌ها را
می‌دانند. از آن جا که دانش‌آموزان کم حرف‌تر، معمولاً
ابتدا داوطلب نمی‌شوند، احتمالاً معلم اجرای نقش‌ها را
تکرار می‌کند تا همه شانس شرکت در نمایش را داشته
باشند.

نتیجه

همان گونه که دیکسون (Dickson, ۱۹۸۸)
می‌نویسد: «بزرگان آموزش و بازیگران، لازم است برای
انتقال پیام به دیگران، ارباط برقرار کنند و به منظور
کسب موفقیت، در مورد انتخاب پیام مناسب و نحوه
انتقال آن تصمیم بگیرند. طبق نظر دیکسون، نمایش در
کلاس آموزش زبان دوم، فاش‌آموزان را به سوی کاربرد
زبانی متفاوت از زبان رایج در کلاس سوق می‌دهد.
کودکان با خلق مجدد داستان‌های آشنا، راه‌های جدید به
کارگیری را می‌آموزند. این نوع ارتباط متقابل، محیطی
در کلاس را به وجود می‌آورد که به تمام دانش‌آموزان،
بدون توجه به توانایی زبانی آنها، فرصت می‌دهد در
اجرای نمایش شرکت فعال داشته باشند و از این تجربه
یادگیری برند.

پانویس:

۱. گیزلا ارنست اسلاویت (Gisela Ernest-Slavit)، دانشیار
دانشگاه ایالتی واشنگتن در ایالت منده و سرپرست طرح آموزشی دو
زبانگی و آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم است. وی رئیس سابق
انجمن آموزش زبان انگلیسی به عنوان زبان دوم در واشنگتن بود.
۲. موضوع تحقیق خانم ارنست اسلاویت، تربیت معلم آموزش زبان
دوم، دو زبانگی و استفاده از نظریات و دیدگاه‌های قوم‌شناسی و
جامعه‌شناسی زبان، در بررسی کلاس‌هاست.
۳. کری جی. ونگر (Kerri J. Wenger) در دانشگاه
ایالتی‌تری‌گیلتس (Tri-Giltes) در طرح آموزش با زبانان مشغول
تدریس است. موضوع تحقیق او، تاثیر مکالمه کلاسی بر آموزش زبان
است. وی، به آموزش زبان‌های انگلیسی، فرانسه و اسپانیایی به عنوان زبان
دوم در کلاس‌های مقدماتی بزرگسالان پرداخته است.

منبع:

TESOL Journal, summer ۱۹۸۸

تصحیح و بازنگری

در صفحه ۲۴ شماره قبل، «معلمی از خانم زهرا شیرازی»
درج شده که نام ایشان به اشتباه شیرازیان آمده بود. ضمن
تصحیح این اشتباه از ایشان و خوانندگان محترم عذر
می‌خواهیم.